Radiant and Vast as the galaxy

Message of Deputy Minister of Culture and Islamic Guidance for Arts affairs

In the name of the creator of love and light.

The broad range of the performing arts is unmistakably a companion to humans and their spiritual lives and has created many ways for them to communicate and relate to each other. Meanwhile, handmade Effigies with a history of 4000 years are symbols of human:s attempt to remark, research and explore different aspects of human:s behaviors and characteristics. Our innate emotional needs can be found in the world of small figures, lovely and friendly, a beautiful innocent world, radiant and vast as the galaxy.

The festivals like the 15th international puppet festival of Tehran-Mobarak are a golden opportunity for creating a good and solid relationship with the audience and transcend geographical borders, like the missing piece of a puzzle, connect our forgotten mutual and similar interests. With this perspective, I wish all attendees success and pride.

Ali Moradkhani
Deputy Minister of Culture and Islamic Guidance for Arts Affairs
September 2014

یادداشت

ما و تئاتر عروسکی(۲)
دلخوشی‌های تئاتر عروسکی

منوچهر اکبرلو

می‌خواهم از رابطه افسانه و تئاتر عروسکی سخن بگویم؛ اما، مشکلات و دلواپسی‌ها و دلنشینی‌ها و دلنشینه‌های کودکان. کودک بازیگر، با بازی هیجان انگیز یک تجربه مفید و با بهره‌گیری از همدلات بازداری و همدلسازی، در ساخت اثر نمایشی هنری می‌یابد و همه هیچ زیا که شکل ملموس و واقعی تجربه می‌کند.

این مفهوم دستی در این فرض است که کودک با مشاهده، شرح حال یک قهرمان کامل را تجاه مشخصه هایش در زندگی خود نیز به ارزش های مشابه پایبند خواهد بود. کودک برای ملموس شدن ا الگوهای رفتاری که می یابد در ابیاده در عالم واقعیت به کار ببرند نقش بازی می کند. نمایش خلاق عروسکی، افسانه، ا تصویر می کند و به کودک آخرین دقت دهد مشاهدات خود را تجربه و تحلیل کند تا بتواند این قابلیت را بیابد که در زندگی واقعی به نقش و تغییر رویدادهای و پیشامدهای خصوصی خود بپردازد.

در نمایش خلاق عروسکی، تماشاگر واقعی همان کودک نمایشگر است، اما، تئاتر خلاق عروسکی، نمایشگر غیر بازیگر نیز ظاهر به همدل حواشت و رویدادهایی می شود که بر شخصیت روی صحنه می گذرد و نیز در نهایتی، تواند به بازی بنشیند. به نظر نگارنده به عنوان مصنفنده های لازم برای یک خلق یک نمایش تاثیرگذار عروسکی فلسفه هستنی ندارد و البته شادی و شعفی که کودک از واکنش مستاقده در برابر یک فلسفه ناب به دست می آورد جنبه ای که از این رهگذر احساسی می کند از ارزش روان شناسه ان نقاشی سی شود (هر چند که این ارزش هم در آن دخالت دارد) بلکه از کیفیت ذهنی افسانه و قابلیت های درانامیک آن سرچشمه می گیرد.

در نمایش عروسکی برای کودک، آنچه بیش از همه اهمیت دارد فلسفه است و همه چیز تحت التشعاع آن قرار می گیرد. افسانه به دلیل دارا بودن ابعاد «اقناعشیکه» و چارچوب منظمو منسجمی که دارد قادر است مخاطب را به سرعت و صراحت جذب نمایش کند و خطوط کلی خود را آشکار سازد.

افسانه به سرعت آغاز می شود و این با فاقله کودک پیوند می خورد که در کمترین زمان ممکن به سراغ ماجرا می رود. خردسالان و بزرگترها در زمان های کوتاه یک پادشاه یا سه دختر زشت رو می گرد نه.

کودک از همان نخست وارد ماجرا می شود و طرح سریع مساله اصلی و مهم جلوه دادن آن، تمرکزی کامل در کودک ایجاد می کند.

ویژگی های مشخص افسانه، به نمایشگران عروسکی یاری می رساد که هر چه زودتر ساختار مناسب با آن افسانه را بیابند و همگی ساختن فرم و محتوا و سوژه مقدمه ای است برای موفقیت کامل یک اثر نمایشی.

یادداشت

عروسک‌ها آدم‌ها را مهربان‌تر می‌کنند

مهتاب کرامتی بازیگر سینما و تئاتر و نماینده کودکان ایران در یونسک

من از طریق آقای پیمان شیرمنی تقریبا دو سال پیش با جشنواره همکاری داشتم و در آن زمان هماهنگی‌هایی انجام دادیم برای اینکه جشنواره با یونیسف همکاری داشته باشد.

نسل از اینجا خودم در جریان جشنواره بودم و افتتاحیه به خوبی برگزار شد و امیدوارم تا آخر جشنواره همه مسائل به خوبی پیش برود. چون جشنواره هر چقدر با سکلوتو برگزار شود بهتر است و مردم اندک می‌روند. مسئله اینکه عروسک‌ها در کنار هم باشند و مهم برسانند برای بچه‌ها است. روال صحیح این است که در طول سال نمایش‌های عروسکی ساخته و اجرا شود و در پایان سال تمامی نمایش‌ها در جشنواره کنار هم قرار بگیرند، اما در حال حاضر در جشنواره نمایش‌ها به روی صحنه می‌آیند و متاسفانه بعد از آن اجرای عمومی ندارند و ضروری است که برنامه‌ریزی در این حوزه انجام بشود.

خیلی خوشحالم که خانم برومند با علاقه زیادی که به بچه‌های نمایش عروسکی دارند و با یافتن‌راه‌هایی که دانشتن نوانستند خانه عروسک را تاسیس کنند. بچه‌های نمایش عروسکی باید اینجا را مانند خانه خود بدانند و از آنها حمایت شود تا بتوانند کار کنند. اما چیزی که در حال حاضر اهمیت دارد این است که تئاتر بسیننده زیادی پیدا کرده است. سال‌های تئاتر پر هستند در همین حال تعداد سال‌های تئاتر رو به افزایش است که اتفاق بسیار خوبی به شمار میرود و جالا ما باید این موضوع را جا بیندازیم که تئاتر عروسکی فقط برای کودکان نیست و بزرگسالان هم می‌توانند از آن لذت ببرند.

حضور هنرمندان می‌تواند به این مسئله کمک بسیاری کند. ما خاطرات بسیار خوبی با نمایش‌های عروسکی دوران کودکی‌مان داریم که از یادمان نمی‌رود. عروسک‌ها برای بزرگسالان بوستاری دارند و باعث می‌شوند ادمها مهربان‌تر شوند.

اما همه این آیتها زمانی ممکن است که مسئولان حمایت کنند اگر جنی تئاتر عروسکی برای کودکان هم شکل بگیرد. - که فقط باز هم بزرگسالان لذت می‌برند. باعث می‌شود نمایش دیدن و تئاتر رفتن جزء عادات آنها شود که در بزرگسالی خیلی در روحیه آنها تاثیر می‌گذارد. این کار فرهنگسازی است که در آینده نتیجه درخشانی خواهد داشت. مسئولان را باید متوجه این موضوع کرد که مسئولیت دارند اگر حمایت صورت بگیرد و عروسک‌های جدید ساخته شوند و نمایش‌های عروسکی به روی صحنه بیایند، فضای شادی در جامعه شکل خواهد گرفت.

یادداشت

هفت ویژگی یک عروسک‌گردان(تئاتر و تلویزیون)خوب!

محمد لقمانیان
عروسک‌گردان و بازیگر

«عروسک‌گردان و بازیگر «که هازی‌دهندگی عروسک» یا: «حیل‌هشتی عروسکی»، یا: «که بزرگان تئاتر عروسکی هنوز به یک عنوان واحد برای انتخاب اسم رسیده‌اند) هنری بسیار دشوار و دوست‌داشتنی‌ای است. اگر کسی قصد ورود به این حرفه را داشته باشد، علاوه بر اینکه باید استعداد و عشق و صبر بالایی داشته باشد، ویژگی‌های زیر را نیز باید دارا باشد.

اظهر عاشق حرفه‌اش باشد تا همه به دیوانه بودنش اعتراف کنند!

به مرور زمان با گودی کمر، درد مفاصل، آرتروز مزمن و لرزش انگشت اخت پیدا کند! به طرز اعجاب‌انگیزی هاستش گرو باشی باشد و اصلا به روی خود نیاورد! مبادا گول بزند که «عروسک‌گردانی» در «عاشقان» یک شغل محسوب می‌شود! آرزوی داشتن شهرت و معروفیت را خود به گور ببرد تا عروسک نازنینش دچار شود!

همیشه پشت پرده باشد! با جوی تجربه و عاشسات برون‌صحنه‌ای کاری نداشته باشد! چشم دیدن همه همکارانش را داشته باشد و همه را از دم قبول داشته باشد!

به بچه‌های نسل جدید امیدوارم

مریم سعادت

مریم سعادت دانش‌آموخته رشته تئاتر دانشگاه تهران با گرایش نمایش عروسکی است. او فعالیت خود را از سال ۱۳۶۰ در نمایش‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد و در نمایش‌های کودک و عروسکی بسیاری در مقام بازی‌دهنده، بازیگر و طراح عروسک همکاری داشته است.

امسال کارهای رنگ و وارنگ زیادی خواهیم دید. همه کارهایی را که انتخاب شده‌اند دوست داشتم و به بچه‌های نسل جدیدی که به جشنواره آمده‌اند پیش از آمدن اینجوام، کارهای این دوره فلتری لازم را دارند و منتظر هستند. به هر حال بچه‌های این نسل نسبت به ما که در به‌ای دیدن جشنواره شرکت می‌کردیم، با کارهای به‌روز جهان آشناتر شده‌اند. دوسال پیش کارهای جشنواره را تنبال نکردم امسال هم وقتی دیدم دوست قدیمی و دلسوزی مثل مرضیه برومند به جشنواره آمده است، فهمیدم جشنواره خوبی پیش رو دارم.

حاشیه روزانه

نخستین روز جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی برای خیلی از ما و بچه‌ها ماندگار شد؛ جشنی که بزرگ‌ترها، کودکان و عروسک‌ها در آن حضوری جنگی داشتند. کارناوال عروسکی از خیابان فلسطین شروع شد و نهایت به محوطه تئاترشهر رسید. و در این فاصله بازی‌دهندگان عروسک‌ها به همراه کودکان عروسک‌های خود را به حرکت درآوردند. میزبانان این جشن با گروه‌های خارجی هم در این کردهمائی حضور داشتند و همراه نمایشگران ایرانی، عروسک‌های خود را به حرکت درآوردند. میزبانان این جشن با بادکنک‌های رنگی به میهمانان خوشامد گفتند. در کنار بادکنک‌ها، پلاکاردهایی با شعارهای آموزشی و بهداشتی رنگی به میهمانان توزیع می‌شد. و هر آنچه در کهکشان روشنایی‌ها دیده می‌شود و قاصله‌های قابل تامل با دنیای سنگی برخی دیگر دارد که جهان را در نیرگی و بلندی، بیشتر دوست می‌دارند.

طبعا جشنواره‌ای با چنین کراتهایی، فرصتی استثنایی برای استقرار پل‌هایی است که دل تماشاگرانش را به جایی فراتر از مرزهای مرسوم جغرافیایی، برای بازشناسی جغابی مشترک و گشنده‌های آشنای بین ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌برد. بازدهمین دوره از برگزاری جشنی که اینک هویت جهانی یافته است، با اطمینان می‌تواند محلی مناسب برای فدم زدن در حوالی هنر آفرینش‌گرانی باشد که در این کمنگ عبر و زیبایی و معنویت و آزادی‌های نهانی‌بخشند و پیوندهای تازه را با سایر ملل، در عین پاسداشت عبرت‌هایی و بومی، جست‌وجومی‌کنند.

با این نگاه و انتظار، سرپلندی هنرمندان و صاحب‌نظران حاضر در این رویداد و توفیق برگزارکنندگانش را از خداوند بزرگ مسالت می‌کنم.

علی مرادخانی
معاون امورهنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
شهریورماه ۱۳۹۳

نشریه روزانه
پانزدهمین جشنواره بین‌المللی
نمایش عروسکی
تهران - مبارک
یکشنبه - ۲۳ شهریورماه ۱۳۹۳

به وسعت کهکشان روشنایی‌ها

پیام معاون امورهنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به نام آفریدگار روشنایی و مهر

گستره هنرهای نمایشی، بی‌تردید همراه و همدراز انسان و زندگی و حیات فکری و معنوی اوست. از آن رو که دغدغه‌ها، تخیلات و آرزوهای آدمی را به نمایش درآورده و تعاملات ناگزیر او برای برقراری ارتباط با دیگران را تامین کرده است.

در این میان، پیکرک‌های دست‌ساز با قدمتی ۴ هزار ساله، طلایه‌دار تلاش‌های تعادین و دامنه‌دار بشر برای بیان، بررسی و تصحیح نگرش و رفتار انسانی شده و شاید رمز این دیرینگی و پیوند زلال و مستمر را پنهان در تباز فطری انسان به آفرینش‌گری و نیز صمیمیت، ظرفیت و اعطاف شگفت دنیای عروسکی باز جست. دنیایی سرشار از سادگی، مهربانی، گشادت و... هر آنچه در کهکشان روشنایی‌ها دیده می‌شود و قاصله‌های قابل تامل با دنیای سنگی برخی دیگر دارد که جهان را در نیرگی و بلندی، بیشتر دوست می‌دارند.

طبعا جشنواره‌ای با چنین کراتهایی، فرصتی استثنایی برای استقرار پل‌هایی است که دل تماشاگرانش را به جایی فراتر از مرزهای مرسوم جغرافیایی، برای بازشناسی جغابی مشترک و گشنده‌های آشنای بین ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌برد. بازدهمین دوره از برگزاری جشنی که اینک هویت جهانی یافته است، با اطمینان می‌تواند محلی مناسب برای فدم زدن در حوالی هنر آفرینش‌گرانی باشد که در این کمنگ عبر و زیبایی و معنویت و آزادی‌های نهانی‌بخشند و پیوندهای تازه را با سایر ملل، در عین پاسداشت عبرت‌هایی و بومی، جست‌وجومی‌کنند.

با این نگاه و انتظار، سرپلندی هنرمندان و صاحب‌نظران حاضر در این رویداد و توفیق برگزارکنندگانش را از خداوند بزرگ مسالت می‌کنم.

علی مرادخانی
معاون امورهنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
شهریورماه ۱۳۹۳

یادداشت دبیر جشنواره

حس خوب شادی مشترک

دیروز یکی از روزهای جیعب زندگی من بود؛ عجیب و دوست داشتنی.

با وجود این که سرم گیج می‌رفت، نفهمیدم فاصله‌ی دفتر ستاد جشنواره تا تئاتر شهر را چطور طی کردم. اتکار عروسک‌ها من را روی دست‌تان گرفته بودند و با خود می‌بردند.

اطرافیانم بود. شادی بچه‌های تئاتر عروسکی، شادی مردم که همراه بچه‌هایشان با ما راه می‌افتند، شادی کاسبان محل که کسب و کارشان را تعطیل کرده بودند و از ما عکس و فیلم می‌گرفتند، شادی مسافران اتوبوس که صورتزده سرهایشان را از پنجره بیرون آورده بودند و آقای جیلی، خانم کراتمی و آقای نجفیان که با خصوصش تا خانه‌ی شادی مردم آفریدند.

دم همه‌شان گرم.

مرضیه برومند

داستانک‌های بامزه

سیاوش بهادری‌راد
نویسنده نمایش
کتاب‌سازه‌ها و می‌گردم

متن نمایش «کتاب سازه‌ها برمی‌گردم» متعلق به چه زمانی است؟

من نمایش را در سال ۱۳۸۹ نوشتم. زمانی است که کارمان است و زمان مشخصی ندارد. نمایش برای همین خیلی جلو است و شبیه به موضوع کتاب سازه‌ها و می‌گردم است. اگر من در مورد متن و دغدغه‌ام توضیح بدهم.

من در مورد متن و دغدغه‌ام توضیح بدهم. کلیت کارم که من می‌دانم این است. اما به هر حال متن مفاهیم مختلفی زندگی من از تکنیک‌های بازی‌های نمایشی استفاده می‌کنم. من در این مطلبم به خاطر بیماری فرانسوی، در گیرودار خودش را دارد و جلا در می‌آید